

راه‌های شناخت پیامبران در اندیشه امامیه و اسماعیلیه

سید مصطفی حسینی چمازکتی^۱

چکیده

شناخت پیامبران یکی از مباحث بنیادین در علم کلام است که در مکاتب مختلف اسلامی به‌ویژه امامیه و اسماعیلیه، مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش با رویکردی تطبیقی، معیارهای شناخت پیامبران را در این دو مکتب بررسی می‌کند. امامیه بر معجزه، نص پیامبر پیشین، عدم مخالفت با عقل و سیره و اخلاق پیامبران تأکید دارد، در حالی که اسماعیلیه، وحی، حکمت، علم، معجزه و عدم تناقض با عقل را معیارهای اساسی شناخت نبوت می‌داند. این پژوهش نشان می‌دهد که هر دو مکتب، ضمن پذیرش ضرورت وجود پیامبران، تأکید ویژه‌ای بر همخوانی نبوت با عقل دارند. تفاوت رویکردهای این دو مکتب، برخاسته از مبانی کلامی و تفسیری آن‌هاست که به شکل‌گیری دیدگاه‌های متمایز در شناخت پیامبران انجامیده است. این مطالعه، با بهره‌گیری از منابع اصیل کلامی، تلاش دارد ضمن شفاف‌سازی این معیارها، به تقویت گفتمان تطبیقی میان فرق اسلامی و تبیین جایگاه عقل در شناخت نبوت پردازد.

کلیدواژه‌ها: نبوت، امامیه، اسماعیلیه، معجزه، وحی، عقل، شناخت پیامبران.

۱. مقدمه

نبوت از بنیادی‌ترین اصول اسلامی است که تمامی مکاتب اسلامی به آن باور دارند. یکی از مهم‌ترین مباحث علم کلام، شناخت پیامبران واقعی از مدعیان دروغین است. پرسش اصلی در این حوزه آن است که پیامبران چگونه از سوی خداوند برای هدایت انسان‌ها انتخاب می‌شوند و چه ویژگی‌هایی آنان را از سایر انسان‌ها متمایز می‌سازد؟ شناخت پیامبران نه تنها در حوزه‌های اعتقادی، بلکه در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱.

۱. دانشجوی دکتری مدرّسی معارف اسلامی گرایش قرآن و متون، دانشگاه قرآن و حدیث (shalamche9@gmail.com)

تأثیرگذار است. پیامبران به عنوان واسطه های بین خدا و بشر، نقش کلیدی در هدایت انسان ها به سوی سعادت و کمال دارند. از این رو، شناخت صحیح پیامبران و اثبات نبوت آنان، از جمله مسائل بنیادینی است که در طول تاریخ، مورد توجه متکلمان و اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است.

در میان فرقه های اسلامی، امامیه و اسماعیلیه به عنوان دو جریان مهم شیعی، دیدگاه های خاصی در مورد راه های شناخت پیامبران ارائه کرده اند. امامیه بر معجزه، نص پیامبر قبلی و ویژگی های اخلاقی و علمی پیامبران تأکید دارد (علم الهدی، ۱۴۱۱: ۳۲۸-۳۳۵). از سوی دیگر، اسماعیلیه وحی، معجزه، حکمت و علم را معیارهای اساسی شناخت نبوت می داند (واعظ موسوی، ۱۳۷۸: ۲۰۹). با وجود اشتراک در اصول کلی نبوت، این دو مکتب شیعی رویکردهای تفسیری متفاوتی در شناخت پیامبران ارائه داده اند.

این پژوهش با رویکردی تطبیقی، معیارهای شناخت پیامبران را در مکتب امامیه و اسماعیلیه بررسی می کند. هدف از این مطالعه، تبیین معیارهای مشترک و متمایز این دو مکتب و تحلیل تأثیر دیدگاه های آنها بر درک نبوت است. علاوه بر این، پژوهش حاضر نشان می دهد که معیارهای این دو مکتب چگونه می توانند در ایجاد گفتمان علمی و تعامل میان فرق اسلامی نقش مؤثری ایفا کنند.

۱-۱. پیشینه پژوهش

موضوع شناخت پیامبران و راه های اثبات نبوت آنان، همواره در مطالعات کلامی و اعتقادی فرقه های اسلامی مورد توجه بوده و پژوهش های متعددی انجام شده است که به تبیین ابعاد مختلف این موضوع پرداخته اند. در این بخش، به برخی از مهم ترین آثار مرتبط با نبوت در مذاهب کلامی اسلامی اشاره خواهیم کرد:

یک. مقاله «اثبات ضرورت نبوت از دیدگاه فیلسوفان»، نوشته محمد ایزدی تبار (معارف عقلی، ۱۳۹۰، دوره ۶، شماره ۲) که در آن، ضرورت و جایگاه نبوت در فلسفه اسلامی و تأثیرات آن بر فلاسفه مسلمان بررسی شده است. این پژوهش به تحلیل استدلال های فلسفی و عقلانی برای اثبات نبوت پرداخته و نقش آن را در هدایت بشر و سامان دهی به امور اجتماعی و دینی تبیین کرده است.

دو. مقاله «بررسی منزلت انبیا و ائمه از منظر سه فرقه شیعی امامیه، زیدیه و اسماعیلیه»

نوشته فاضل گرنه‌زاده و محمود قیوم‌زاده (شیعه‌پژوهشی، پاییز ۱۳۹۴، شماره ۴) که در آن، منزلت پیامبران و ائمه از دیدگاه سه فرقه شیعی مختلف بررسی شده است. این تحقیق به تطبیق دیدگاه‌های این فرقه‌ها در مورد جایگاه پیامبران و ائمه پرداخته و تفاوت‌های اساسی بین آنها را تحلیل کرده است.

سه. مقاله «نبوت از دیدگاه اسماعیلیان» نوشته مصطفی سلطانی، که در آن به تبیین جایگاه نبوت در مکتب اسماعیلیه پرداخته شده است. این پژوهش به‌ویژه به جنبه‌های تأویلی و باطنی نبوت در اسماعیلیه پرداخته و نقش پیامبران را به‌عنوان واسطه‌هایی برای کشف حقایق پنهان دینی بررسی کرده است.

با این حال، پژوهش‌هایی که به‌صورت تطبیقی و جامع، دیدگاه‌های دو مکتب شیعی امامیه و اسماعیلیه را در زمینه نبوت بررسی کرده و مقایسه‌ای میان این دو ارائه دهند، بسیار محدود بوده است. در این میان، تطبیق و مقایسه دقیق دیدگاه‌های این دو مکتب، به‌ویژه در مسائل ناظر به نبوت، به‌عنوان یک موضوع پژوهشی جدید و نو مطرح است که تاکنون مورد توجه کافی قرار نگرفته است.

این پژوهش، تلاش دارد تا خلأ موجود در تحقیقات پیشین را پر کرده و دیدگاه‌های امامیه و اسماعیلیه را در مورد راه‌های شناخت پیامبران به‌طور مقایسه‌ای تحلیل کند تا نقشی که نبوت در هدایت بشر از منظر این دو مکتب ایفا می‌کند، بهتر درک شود.

۲-۱. اهمیت پژوهش

شناخت پیامبران و راه‌های اثبات نبوت آنان، به‌عنوان یکی از اصول بنیادین دین اسلام، از جایگاهی ویژه در مطالعات کلامی و اعتقادی برخوردار است. این پژوهش با تمرکز بر مقایسه تطبیقی راه‌های شناخت پیامبران در دو مکتب امامیه و اسماعیلیه، از چند جهت حائز اهمیت است:

۱-۲-۱. تقریب مذاهب و کاهش تعصبات

تفاوت‌های کلامی بین امامیه و اسماعیلیه در مسئله نبوت، همواره به‌عنوان یکی از عوامل اختلاف‌زا میان این دو جریان شیعی مطرح بوده است. این پژوهش با تحلیل وجوه اشتراک و افتراق، زمینه‌ای برای گفتگوهای بین‌مذهبی فراهم می‌کند و از تقویت تعصبات نابجا جلوگیری می‌نماید.

۲-۲-۱. پر کردن خلأ پژوهشی

با وجود مطالعات پراکنده درباره نبوت در هر یک از مکاتب، پژوهش‌های تطبیقی در این حوزه اندک است. این تحقیق به صورت ویژه به مقایسه راه‌های شناخت پیامبران در اندیشه امامیه و اسماعیلیه می‌پردازد و خلأ موجود در ادبیات پژوهشی را پر می‌کند.

۳-۲-۱. شفاف‌سازی مبانی اعتقادی

تبیین دقیق دیدگاه‌های امامیه و اسماعیلیه درباره معجزه، وحی، عصمت و نص پیامبر قبلی، به درک بهتر مبانی اعتقادی این دو مکتب کمک می‌کند. این امر برای پژوهشگران علوم دینی، دانشجویان و حتی عموم علاقه‌مندان به مطالعات تطبیقی مفید است.

۴-۲-۱. کاربرد در مطالعات میان‌رشته‌ای

یافته‌های این پژوهش می‌تواند در حوزه‌های تاریخ ادیان، فلسفه دین و جامعه‌شناسی دینی به کار گرفته شود. برای مثال، تحلیل تفاوت‌های کلامی در مسئله نبوت، به درک تحولات تاریخی و اجتماعی جوامع شیعی کمک می‌کند.

۵-۲-۱. کاهش شبهات و تقویت باورهای دینی

در عصر حاضر، شبهات متعددی درباره نقش پیامبران و اعجاز آنان مطرح می‌شود. این پژوهش با ارائه استدلال‌های مستند از متون کهن امامیه و اسماعیلیه، به تقویت بنیان‌های اعتقادی و پاسخگویی به پرسش‌های نوین کمک می‌کند.

۶-۲-۱. تأکید بر وحدت در عین کثرت

اگرچه امامیه و اسماعیلیه در جزئیات راه‌های شناخت پیامبران تفاوت دارند، اما هر دو بر ضرورت وجود پیامبران به عنوان هادیان بشریت تأکید می‌کنند. این پژوهش نشان می‌دهد که وحدت هدف در عین کثرت روش‌ها، می‌تواند الگویی برای همزیستی مسالمت‌آمیز فرقه‌های اسلامی باشد.

۳-۱. اهداف پژوهش

این پژوهش با هدف اصلی «مقایسه تطبیقی راه‌های شناخت پیامبران در اندیشه امامیه و اسماعیلیه» طراحی شده و در پی دستیابی به اهداف زیر است:

۱-۳-۱. بررسی و تحلیل نظام‌مند معیارهایی مانند: معجزه، نص پیامبر قبلی، وحی، حکمت، ویژگی‌های اخلاقی و باطنی و ... در دو مکتب امامیه و اسماعیلیه.

۲-۳-۱. مطالعه تطبیقی دیدگاه‌های متکلم‌ان برجسته، مانند: خواجه نصیرالدین طوسی و سید مرتضی و ... (امامیه) با ابویعقوب سجستانی و ابوحاتم رازی و ... (اسماعیلیه) در مسئله شناخت پیامبران.

۳-۳-۱. ترسیم نقشه مفهومی از نقاط مشترک (مانند تأکید بر معجزه و عصمت) و تفاوت‌های کلامی (مانند اولویت نص یا وحی) بین دو مکتب.

۴-۳-۱. ارائه مطالعه جامع تطبیقی در این حوزه با تکیه بر منابع دست اول امامیه و اسماعیلیه که تاکنون در پژوهش‌های فارسی‌زبان کمتر بررسی شده‌اند.

۵-۳-۱. تقریب بین مذاهب شیعی و تأکید بر زمینه‌های مشترک دو مکتب (مانند نقش هدایتگری پیامبران) به منظور کاهش تعصبات و ایجاد گفتگوهای بین‌مذهبی.

۶-۳-۱. پاسخگویی به چالش‌های معاصر و ارتباط دادن مباحث کلاسیک به پرسش‌های نوین مانند نسبی‌گرایی در شناخت پیامبران یا تعارض علم و معجزه.

این اهداف با هدف تحلیل تطبیقی دقیق و همه‌جانبه دیدگاه‌های امامیه و اسماعیلیه در زمینه راه‌های شناخت پیامبران، طراحی شده‌اند و به‌طور کلی به تقویت فهم بهتر و جامع‌تر از شناخت پیامبران کمک می‌کنند.

۴-۱. سؤالات پژوهش

۱-۴-۱. معیارهای شناخت پیامبران در اندیشه امامیه و اسماعیلیه چیست؟

۲-۴-۱. چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بین دیدگاه‌های امامیه و اسماعیلیه در مورد شناخت پیامبران وجود دارد؟

۳-۴-۱. نقش معجزه، نص پیامبر قبل، وحی و حکمت در شناخت پیامبران در این دو مکتب چگونه است؟

۴-۴-۱. متکلمان برجسته امامیه و اسماعیلیه چه نظریاتی در این زمینه ارائه کرده‌اند؟

۵-۱. روش پژوهش

این پژوهش از روش تحلیلی - تطبیقی بهره برده و با استناد به منابع اصلی کلامی دو مکتب

امامیه و اسماعیلیه، دیدگاه‌های آن‌ها را بررسی کرده است. داده‌ها از طریق تحلیل متون کلیدی دو مذهب، استخراج شده‌اند.

۲. راه‌های شناخت پیامبران در اندیشه امامیه

در اندیشه امامیه، شناخت پیامبران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا تأثیر مستقیمی بر باورهای دینی و الهیاتی دارد. این مکتب بر این عقیده است که پیامبران، واسطه‌های الهی هستند که برای هدایت انسان‌ها از سوی خداوند مبعوث می‌شوند و رسالت آن‌ها نه تنها در کلام بلکه در سیره و رفتارشان نیز قابل مشاهده است. در این اندیشه، پیامبران باید از ویژگی‌های خاصی برخوردار باشند تا ادعای نبوتشان قابل پذیرش و معتبر باشد. علاوه بر آن، شناخت پیامبران در امامیه به طور مستقیم به معیارهایی چون: معجزه، نص پیامبر قبل، عقل و سیره اخلاقی آن‌ها بستگی دارد. این مکتب تأکید دارد که هر پیامبری باید به گونه‌ای عمل کند که انسان‌ها به صحت ادعای نبوت وی پی ببرند و آن را به عنوان راهی برای هدایت و رستگاری بپذیرند. در اندیشه امامیه، شناخت پیامبران به طور خاص از چهار طریق اصلی انجام می‌شود که هر کدام ویژگی‌های خاص خود را دارند. در ادامه توضیحات بیشتری در مورد هر یک از این راه‌ها آورده می‌شود:

۲-۱. معجزه

معجزه در اندیشه امامیه، یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین نشانه‌های صحت نبوت پیامبران است. معجزه به عنوان یک عمل خارق‌العاده از سوی خداوند به پیامبران داده می‌شود که فراتر از توانایی‌های بشر است. این معجزه‌ها همواره برای تأیید ادعای نبوت پیامبر و اثبات ارتباط او با خداوند در نظر گرفته می‌شوند (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۱۴؛ علم الهدی، ۱۴۱۱: ۳۲۸). ویژگی‌های معجزه در اندیشه امامیه شرایطی دارد که عبارت است از:

۲-۱-۱. خارق‌العاده بودن

معجزه باید به گونه‌ای باشد که از توان بشر خارج باشد و هیچ گونه شباهتی به کارهای عادی انسان‌ها نداشته باشد. برای مثال، قرآن کریم که از سوی پیامبر اسلام ﷺ ارائه شده است، به عنوان معجزه‌ای جاویدان مطرح است که هیچ کس قادر به آوردن چیزی مشابه آن نیست (مطهری، ۱۴۰۲: ۱۳).

۲-۱-۲. تحدی (مبارزه طلبی)

پیامبران در برابر مخالفان خود، معجزه‌ای ارائه می‌دهند و از آن‌ها می‌خواهند که اگر می‌توانند عملی مشابه آن انجام دهند. قرآن کریم نیز در این راستا به‌عنوان یک معجزه تحدی‌کننده شناخته می‌شود که هیچ‌کس قادر به آوردن چیزی مشابه آن نبوده است (طوسی، ۱۴۰۵: ۴۵۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۵: ۴۰۳).

این مقرون به تحدی بودن معجزه، او را از ارباب (معجزاتی که پیش از نبوت پیامبر ظاهر می‌شود و برای آماده کردن مردم برای پذیرش نبوت پیامبر است) و کرامت (ظهور خرق عادت بر دست بندگان صالح خدا) جدا می‌نماید.

۳-۱-۲. مطابقت کردن معجزه با ادعا

یعنی فعل باید همان‌گونه که ادعا کرده است انجام شود نه این‌که ادعا چیز دیگری و فعل چیز دیگری باشد. مثل این‌که مدعی گوید خدایا اگر من در ادعای رسالت تو صادق هستم، مرا با طلوع خورشید از مغرب صدیق کن و خورشید هم طبق همین خواسته طلوع نماید و در این صورت مطابقت حاصل می‌شود (مقداد، ۱۴۲۰: ۱۵۱).

۴-۱-۲. غیرقابل تکرار بودن

معجزه تنها به پیامبر مربوط می‌شود و نمی‌تواند توسط فرد دیگری تکرار شود. این ویژگی از معجزه به‌عنوان علامت و نشانه‌ای منحصر به فرد برای نبوت فردی خاص تأکید می‌کند (علم الهدی، ۱۴۰۵: ۲۸۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۵: ۴۰۳).

شرط غیر قابل تکرار بودن، معجزه را از سحر و شعبده جدا می‌نماید.

۲-۲. نصّ پیامبر قبل

نصّ پیامبران گذشته، یکی از راه‌های شناخت پیامبران است (محقق حلی، ۱۴۱۴: ۱۶۱). نصّ پیامبر قبل به این معناست که پیامبر اسلام ﷺ در متون دینی پیشین، همچون تورات و انجیل، به‌طور مشخص توسط پیامبران قبلی معرفی شده است. این پیشگویی‌ها و نصوص در واقع به‌عنوان نشانه‌ای برای شناسایی پیامبر اسلام و صحت نبوت او در نظر گرفته می‌شوند. سید مرتضی یکی از علمای امامیه در آن جایی که سخن از انجام معجزه توسط غیر پیامبران به میان آورده است، به راه نص در شناخت پیامبران اشاره می‌کند و آن را تأیید می‌نماید (علم الهدی، ۱۴۱۱: ۳۳۵).

۱-۲-۲. پیشگویی‌ها و اشاره‌ها در متون دینی

در کتاب‌های مقدس یهودی و مسیحی به ظهور پیامبری جدید اشاره شده است. به‌ویژه در تورات و انجیل، نام‌هایی مانند «احمد» و ویژگی‌های پیامبر اسلام ﷺ ذکر شده است. امامیه معتقد است که این پیشگویی‌ها به‌وضوح به پیامبر اسلام ﷺ اشاره دارند (حسینی جلالی، ۱۴۱۸: ۱۸۴).

۲-۲-۲. تأکید بر تواتر نصوص

امامیه معتقد است که این نصوص نه تنها در قرآن بلکه در کتاب‌های دینی پیشین نیز آمده است، و این امر نشان می‌دهد که معرفی پیامبر اسلام ﷺ پیش از ظهور او صورت گرفته است. این نصوص به‌عنوان راهی معتبر برای شناخت پیامبران در اندیشه امامیه قلمداد می‌شود (همان: ۱۸۴).

۳-۲. عدم مخالفت با عقل

یکی از راه‌های شناخت پیامبران در اندیشه امامیه، عدم مخالفت با عقل است که هیچ‌یک از پیامبران نباید سخنی بگویند یا عملی انجام دهند که با عقل سلیم مخالف باشد. عقل در این جا به‌عنوان یکی از ابزارهای شناخت صحیح و پذیرش پیامبران و کلام آنان شناخته می‌شود (طوسی، ۱۴۰۵ الف: ۷۱؛ ۱۴۰۵ ب: ۴۵۵).

۱-۳-۲. همخوانی با اصول عقلی

پیامبران باید آنچه که می‌گویند و انجام می‌دهند با عقل و منطق انسانی سازگار باشد. این بدان معناست که هیچ‌یک از دستورهای پیامبران نباید با عقل سلیم در تضاد باشد. در صورت تضاد، ادعای نبوت فرد مردود خواهد بود (سبحانی تبریزی، ۱۳۶۲: ۷۱).

۲-۳-۲. معصومیت

امامیه بر این باور است که پیامبران، معصوم از خطا هستند و به همین دلیل نمی‌توانند در اموری که عقل انسانی آن‌ها را رد می‌کند، اقدام کنند. معصومیت پیامبران نشانه‌ای از حقانیت آن‌هاست؛ زیرا خداوند هرگز پیامبری را به جامعه نمی‌فرستد که سخنانش با اصول عقلانی تناقض داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۲۱۲).

۴-۲. سیره و اخلاق پیامبر

سیره و رفتار اخلاقی پیامبران، یکی از شاخص‌های اساسی برای شناخت آن‌ها در اندیشه امامیه است. پیامبران باید از ویژگی‌های اخلاقی برجسته‌ای برخوردار باشند که سبب جلب اعتماد و هدایت مردم به سوی خداوند شود. ویژگی‌های سیره و اخلاق در اندیشه امامیه عبارت‌اند از:

۴-۲.۱. صداقت و امانت‌داری و صبر

پیامبران باید به گونه‌ای رفتار کنند که مردم به آن‌ها اعتماد کنند. صداقت و امانت‌داری از جمله ویژگی‌هایی است که باید در سیره پیامبران دیده شود. پیامبر اسلام ﷺ قبل از بعثت به عنوان «محمد امین» شناخته می‌شد که این ویژگی از آن زمان شهرت داشت و نشان‌دهنده رفتار اخلاقی وی بود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۷۵/۳ و ۴۰۵/۱۹-۴۰۷).

همچنین حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان «خلیل الله» شناخته می‌شود و صفاتی مثل: صبر، امانت‌داری و حکمت در مقابل چالش‌های زندگی نشان می‌دهد. برای مثال، وقتی او فرمان خدا را برای قربانی کردن پسرش (اسماعیل) دریافت کرد (صافات: ۱۰۷) بدون تردید بدان عمل کرد که نشان از صبر و اطاعت عمیق او بود.

۴-۲.۲. الگوبودن

پیامبران باید به عنوان الگویی برای جامعه انسانی عمل کنند و مردم باید بتوانند از رفتارهای آنان درس بگیرند. پیامبر اسلام ﷺ نمونه‌ای از این الگوها بود که نه تنها در کلام، بلکه در عمل نیز برای جامعه به عنوان یک پیشوای اخلاقی و معنوی شناخته می‌شد (همان). این چهار راه در اندیشه امامیه به عنوان معیارهای معتبر برای شناخت پیامبران و تأسیس صداقت و صحت نبوت آن‌ها مورد تأکید قرار دارند.

۱. راه‌های شناخت پیامبران در اندیشه اسماعیلیه

در گفتمان اسماعیلیه، شناخت پیامبران جایگاهی اساسی در هدایت انسان به سوی حقیقت و سعادت دارد؛ زیرا آنان تجلی حکمت الهی و واسطه میان خدا و بشر هستند. این شناخت، انسان را قادر می‌سازد تا مسیر تأویل و فهم عمیق از دین را بیابد و از ظواهر عبور کند و به باطن حقیقت دست یابد. بدون معرفت به پیامبران، امکان درک معنای واقعی هستی و پیوند

با عقل کلی دشوار می‌شود. راه‌های شناخت پیامبران باید بر مبنای عقل و وحی باشد تا از هرگونه خطا و انحراف مصون بماند. در نهایت، این شناخت، نه تنها موجب تقویت ایمان می‌شود، بلکه سبب ارتقای روحانی و دستیابی به کمال معرفتی خواهد شد. در اندیشه امامیه، شناخت پیامبران از پنج طریق انجام می‌شود که در ادامه توضیحات بیشتری در مورد هر یک از این راه‌ها آورده می‌شود:

۱-۳. وحی در شناخت پیامبران

یکی از مهم‌ترین راه‌های شناخت پیامبران در اندیشه اسماعیلیه، مفهوم وحی است. در مکتب اسماعیلیه، وحی به دو صورت اصلی در نظر گرفته می‌شود. وحی سمعی و وحی وهمی. وحی سمعی همان وحی‌ای است که پیامبر از طریق فرشته وحی، به‌طور مستقیم از خداوند دریافت می‌کند. این نوع وحی در ابتدا برای پیامبران آغازین مانند حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام وجود داشت و به‌صورت شنیدن کلام الهی به گوش پیامبر رسیده است. در حالی که در دوران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز وحی به‌صورت سمعی از طریق جبرئیل به پیامبر رسید (سجستانی، ۱۹۸۶: ۱۴۷-۱۴۸).

اما نکته مهم در اندیشه اسماعیلیه، تأکید بر وحی وهمی است. در این دیدگاه، وحی نه تنها به‌صورت مستقیم از سوی خداوند به پیامبران می‌آید، بلکه به‌صورت الهاماتی درونی و دریافت‌های باطنی از سوی پیامبر نیز انجام می‌شود. این نوع وحی، بیشتر بر پایه درک و فهم عمیق پیامبران از حقیقت جهان و مسائل دینی است. در حقیقت، وحی وهمی به‌عنوان دریافت‌هایی از عالم غیب تلقی می‌شود که پیامبران برای هدایت بشر آن را دریافت می‌کنند. اسماعیلیه معتقد است که در طول تاریخ، پیامبران و امامان از این نوع وحی بهره‌مند بوده‌اند تا مردم را به حقیقت واقعی و نه تنها به آموزه‌های ظاهری دعوت کنند (ولید، ۱۹۶۷: ۴۷؛ سجستانی، ۱۹۸۶: ۱۴۷-۱۴۸).

از دیدگاه اسماعیلیه، وحی عبارت است از آنچه نفس رسول، آن را از عقل دریافت داشته و عقل نیز آن را از امر خالق خویش گرفته و مخالف علمی که نفس ناطقه با همه قوای خویش با آن خو گرفته است نیست و تفاوت میان وحی و دیگر علوم آن است که وحی در حالتی بر مخاطب خود نازل می‌شود که تکمیل شده و تام است و هیچ نیازی نیست مخاطب وحی، چیزی بدان بیفزاید یا از آن بکاهد.

اسماعیلیه همچنین بر این باور است که وحی می‌تواند از طریق علم باطنی یا عرفان به پیامبران منتقل شود. این بدان معناست که پیامبران، نه تنها از طریق وحی صریح بلکه از طریق دانش و درک الهی به حقیقت پی می‌برند. علم باطنی در این مکتب به عنوان یکی از ابزارهای شناخته شده برای درک پیامبران مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲-۳. حکمت در شناخت پیامبران

یکی از ویژگی‌های اساسی پیامبران در اندیشه اسماعیلیه، حکمت است. پیامبران باید در اعمال و گفتار خود حکمت را اعمال کنند، بدین معنا که تمامی اعمال و سخنان آن‌ها باید بر اساس اصول حکمت الهی باشد. این ویژگی در افکار اسماعیلیه به عنوان یکی از نشانه‌های بارز نبوت در نظر گرفته می‌شود. در این مکتب، حکمت به معنای دانشی است که از سوی خداوند به پیامبران داده می‌شود تا مردم را به درستی هدایت کنند. حکمت در این جا به معنای برخورداری از درک عمیق و ریزبینانه از حقیقت دینی، اجتماعی و اخلاقی است. پیامبرانی که حکمت ندارند نمی‌توانند به طور کامل وظیفه هدایت بشر را برعهده بگیرند. در حقیقت، اسماعیلیه معتقد است که پیامبران بدون حکمت نمی‌توانند به درستی حقایق الهی را به انسان‌ها منتقل کنند و در نتیجه نمی‌توانند جامعه را از انحرافات و اشتباهات نجات دهند (واعظ موسوی، ۱۳۷۸: ۲۰۹).

از نظر اسماعیلیه، حکمت به پیامبران این امکان را می‌دهد که علاوه بر تشریح آموزه‌های دینی، در امور اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی نیز به طور مؤثر عمل کنند. این امر باعث می‌شود که در افکار اسماعیلیه، پیامبران، نه تنها یک رهبر دینی بلکه یک رهبر اجتماعی و سیاسی نیز شناخته شوند. حکمت باعث می‌شود که پیامبران قادر به پاسخگویی به چالش‌های اجتماعی و فلسفی زمان خود باشند و جامعه را در مسیر درست هدایت کنند.

۳-۳. علم در شناخت پیامبران

شناخت فلسفی آفرینش و چون و چرا کردن برای معرفت عالم و اطلاع بر علوم از نظر اسماعیلیه بر انسان واجب است. این شناخت، چیزی نیست جز شناخت علم دین حق؛ و علم دین حق، عقاید اسماعیلیان است. شناختن عالم یا محیط مادی، چیزی نیست جز شناختن فعل آنها. نتیجه این شناخت‌ها، اثبات نبوت است (برتلس، ۱۳۴۶: ۲۱۲ - ۲۱۸).

به باور ناصر خسرو، علم پیامبران زمینه‌ای است که نبوت ایشان را از طریق اثبات‌های عقلانی و تجربی به نمایش می‌گذارد. او بر این نکته تأکید می‌کند که نبوت، در کنار معجزات، باید از منظر عقل و دانش قابل فهم و اثبات باشد؛ چرا که تمام هستی و نظم خلقت، شاهد بر وحدانیت خداوند است و پیامبران با بهره‌گیری از این دانش، حقایق الهی را به بشر منتقل می‌کنند.

بر این اساس، پیامبران در اسماعیلیه، نه تنها باید عالم به علوم ظاهری باشند، بلکه باید دانش‌های باطنی و پنهان را که مرتبط با حقیقت دین و هدایت بشری است نیز دارا باشند. این ویژگی باعث می‌شود که پیامبران قادر به ارائه تفسیرهای دقیق‌تری از آموزه‌های دینی و هدایت انسان‌ها به سمت کمال معنوی شوند. در این زمینه ابوحاتم رازی قائل به این است که پیامبران با علمومی که خداوند در اختیار آنان می‌گذارد، مردم را هدایت می‌نمایند و از آن علوم به اندازه نیاز به مردم اعطا می‌نمایند و مردم از علوم پیامبران بهره کافی را خواهند برد؛ چون ماهیت پیامبران ارشاد و هدایتگری است و هر آنچه که نیاز یک انسان است، خداوند از طریق پیامبران خود به آنان می‌رساند و علوم لازم را در اختیار پیامبران خود قرار داده است و آنان در آموزش و انتقال علوم بخیل نیستند (واعظ موسوی، ۱۳۷۸: ۵۴۱).

۴-۳. معجزه در شناخت پیامبران

معجزه یکی دیگر از نشانه‌های شناخت پیامبران در اندیشه اسماعیلیه است. البته در این مکتب، معجزه به‌تنهایی برای شناخت پیامبران کافی نیست؛ بلکه باید همراه با حکمت و علم پیامبر باشد. از نظر اسماعیلیه، معجزه نه تنها باید خارق‌العاده و با دلیل و برهان ثابت شود، بلکه باید نمایانگر حکمت الهی و علم باطنی پیامبر باشد (همان: ۳۴۹).

معجزه در اندیشه اسماعیلیه معمولاً به‌عنوان نشانه الهی برای تأیید پیامبری شناخته می‌شود. برای مثال، معجزات پیامبران پیشین مانند حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) از جمله نشانه‌های واضح نبوت آنان بودند. در همین راستا، اسماعیلیه معجزات پیامبر اسلام (ص) را به‌عنوان نشانه‌ای برای اثبات نبوت ایشان به‌ویژه قرآن کریم و دیگر معجزات ایشان می‌شناسد. اما نکته مهم در دیدگاه اسماعیلیه این است که معجزه بدون حکمت و علم کافی، نمی‌تواند به‌عنوان یک معیار اصلی شناخته شود (همان: ۳۴۹ - ۳۵۰).

در حقیقت، اسماعیلیه بر این باور است که معجزه باید به‌عنوان مؤیدی بر حکمت و علم پیامبر باشد. از این رو، معجزات پیامبران باید در راستای هدایت بشر به سمت حقیقت و کمال الهی قرار گیرد و تنها به‌عنوان نشانه ظاهری کافی نیست.

۵-۳. عدم تناقض با عقل در شناخت پیامبران

پیامبران به عنوان تجلیات کامل عقل الهی و انسان‌های کاملی که به درجه‌ای از کمال روحانی و اخلاقی رسیده‌اند، درک‌پذیرترین و حقیقت‌سازترین وسایل برای هدایت بشر به سوی کمال و سعادت هستند.

در این راستا، عدم تناقض عقل با شناخت پیامبران به این معناست که هر آنچه پیامبران می‌آورند، مطابق با خرد و منطق صحیح انسان است و عقل بشر، در صورتی که از تعصب و گم‌راهی آزاد باشد، می‌تواند این حقیقت را درک کند و از آن پیروی کند. پیامبران، با داشتن درک کامل از وجود و واقعیت‌های جهان، انسان‌ها را به سوی فضیلت‌ها و دوری از رذایل هدایت می‌کنند و همین امر سبب می‌شود که هیچ‌گونه تعارضی بین عقل و پیام‌های آن‌ها وجود نداشته باشد (سجستانی، ۱۹۶۵: ۱۶).

۲. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که راه‌های شناخت پیامبران در دو مکتب امامیه و اسماعیلیه، با وجود اشتراک در پذیرش ضرورت نبوت، تفاوت‌های اساسی در مبانی کلامی و روش‌شناسی دارند. امامیه بر معیارهای ظاهری مانند معجزه، نص پیامبر پیشین، هماهنگی با عقل و سیره اخلاقی پیامبران تأکید دارد و این معیارها را به عنوان راه‌های شناخت نبوت برمی‌شمرد. در مقابل، اسماعیلیه علاوه بر پذیرش معجزه، بر معیارهای باطنی مانند: وحی، حکمت، علم و تأویل تأکید داشته و نبوت را در چارچوب معرفت‌شناسی عقلانی و فلسفی تحلیل می‌کند. هر دو مکتب بر عدم تناقض نبوت با عقل تأکید دارند؛ اما امامیه عقل را در خدمت تصدیق نبوت از طریق نشانه‌های ظاهری می‌داند، در حالی که اسماعیلیه عقل را به‌عنوان ابزار درک حقیقت باطنی پیامبران در نظر می‌گیرد. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که امامیه بیشتر به دلیل نقلی و معجزه و اسماعیلیه به فهم باطنی و تأویل عقلانی در شناخت پیامبران تکیه دارد. همچنین، این پژوهش نشان داد که معیارهای شناخت پیامبران در هر دو مکتب، متأثر از مبانی کلامی

و تفسیری آن‌هاست که به شکل‌گیری دیدگاه‌های متمایز در این زمینه انجامیده است. بررسی مقایسه‌ای این دو دیدگاه روشن ساخت که هر دو مکتب در تلاش برای اثبات حجیت پیامبران بر اساس معیارهای عقلی و وحیانی هستند؛ اما اختلاف در تأکید بر ظاهر و باطن شریعت، موجب رویکردهای متفاوت آنان شده است. با وجود این تفاوت‌ها، هر دو مکتب نقش پیامبران را در هدایت بشر ضروری دانسته و بر هماهنگی نبوت با عقل تأکید دارند. این مطالعه نشان می‌دهد که انجام پژوهش‌های تطبیقی بیشتر در حوزه شناخت نبوت، می‌تواند به روشن‌تر شدن ابعاد نظری این بحث و کاهش سوء تفاهم‌های مذهبی کمک کند. همچنین، مقایسه تطبیقی مکاتب اسلامی در موضوعات کلامی بنیادین، می‌تواند زمینه‌ساز تعامل و همگرایی بیشتر میان اندیشمندان مسلمان باشد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

۱. برتلس، یوگنی ادواردویچ، (۱۳۴۶ش)، ناصر خسرو و اسماعیلیان، ترجمه: یحیی آرین‌پور، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۲. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۵ش)، وحی و عقل، قم: اسراء.
۳. حسینی جلالی، سید کاظم، (۱۴۱۸ق)، پیامبران در قرآن، قم: دارالحديث.
۴. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، (۱۴۱۵ق)، مناهج الیقین فی اصول الدین، تهران: دار الأسوة.
۵. سبحانی تبریزی، جعفر و استادی، رضا، (۱۳۶۲ش)، خدا و پیامبران، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۶. سجستانی، ابویعقوب، (۱۹۸۶م)، اثبات النبوات، بیروت: دارالمشرق.
۷. سجستانی، ابویعقوب، (۱۹۶۵م)، الینایع، تحقیق: مصطفی غالب، بیروت: المکتب التجاری.
۸. طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۳۹۰)، تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. طوسی، خواجه نصیر الدین، (۱۴۰۷ق)، تجرید الاعتقاد، تحقیق: محمدجواد حسینی

جلالی، تهران: مکتب الاعلام الاسلامی.

۱۰. _____، (الف ۱۴۰۵ق)، رسائل خواجه نصیر طوسی، بیروت: دار الاضواء، دوم.

۱۱. _____، (ب ۱۴۰۵ق)، قواعد العقاید ضمیمه نقد المحصل، بیروت: دار الاضواء، دوم.

۱۲. علم الهدی، علی بن الحسین، (۱۴۱۱ق)، الذخیره فی علم الکلام، تحقیق: سید احمد حسینی، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم.

۱۳. _____، (۱۴۰۵ق)، رسائل الشریف المرتضی، تصحیح: سید احمد حسینی اشکوری، قم: نشر دارالقرآن.

۱۴. محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۱۴ق)، المسلك فی أصول الدین و الرسالة الماتعیه، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.

۱۵. مطهری، مرتضی، (۱۴۰۲ش)، وحی و نبوت، تهران: انتشارات صدرا.

۱۶. مقداد، فاضل، (۱۴۲۰ق)، انوار الجلالیه فی شرح الفصول النصیریّه، تحقیق: علی حاجی آبادی، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.

۱۷. واعظ موسوی، سید علی اکبر، (۱۳۷۸ش)، ترجمه اعلام النبوه، تهران: مرکز فرهنگي انتشاراتی منیر، دوم.

۱۸. ولید، علی بن محمد، (۱۹۶۷م)، تاج العقائد و معدن الفوائد، بیروت: بی نا.

